

منظومه تھی

با ابتدا به اندیشه کریستوفر الکساندر

www.ketab.ir

نویسنده:

نقیسه صرامی

سرشناسه	: صرامی، نفیسه، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور	: منظومه تهی : با ابتنا به اندیشه کریستوفر الکساندر/نویسنده نفیسه صرامی.
مشخصات نشر	: تهران: پرهام نقش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۸۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۵ - ۱۷۵.
عنوان دیگر	: با ابتنا به اندیشه کریستوفر الکساندر.
موضوع	: الکساندر، کریستوفر، ۱۹۳۶- م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: Alexander, Christopher, 1936- -- Criticism and interpretation
موضوع	: معماری و فلسفه Architecture and philosophy
موضوع	: معماری -- فلسفه Architecture -- Philosophy
	: فضا در معماری -- فلسفه Space (Architecture) -- Philosophy
رده بندی کنگره	: NA۷۸۵۸
رده بندی دیویی	: ۷۱/۲۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۵۶۱۶۳



انتشارات
پرهام نقش

منظومه تهی (با ابتنا به اندیشه کریستوفر الکساندر)

نویسنده: نفیسه صرامی

ناشر: پرهام نقش

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

قیمت: ۶۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۸۹-۰

مراکز پخش و فروش:

فروشگاه کتاب پرهام www.parhambook.com

کتابفروشی پرهام، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳۵

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای ناشر محفوظ است

مسئولیت صحت مطالب کتاب به عهده نویسنده می‌باشد.

۸۸	۲-۲-۳- ارتباط تهی عظیم به مثابه مرکز منظومه با دیگر مراتب
۹۱	۲-۲-۳- الف- تهی: تجلی تهی عظیم در عالم واقع
۹۶	۲-۲-۳- ب- تهی وارگی: تجلی تهی عظیم به صورت اختبار روحی
۱۰۱	۳-۲-۳- تهی، محمل تهی وارگی
۱۰۲	پایان فصل

فصل ۴: منظومه تهی: ساختار و اصول ۱۰۳

۱۰۳	۱-۴- منظومه تهی
۱۰۹	۲-۴- اصول حاکم بر منظومه تهی
۱۱۰	۱-۲-۴- سلسله مراتب
۱۱۳	۲-۲-۴- تعادل
۱۱۵	۳-۲-۴- وحدت
۱۱۷	۳-۴- رویکرد حقیقی به «تهی»
۱۱۹	۱-۳-۴- ویژگی های ذاتی تهی
۱۱۹	۱-۳-۴- الف- تحدید
۱۲۱	۱-۳-۴- ب- تعین
۱۲۳	۱-۳-۴- ج- نفوذ و جولان
۱۲۴	۱-۳-۴- د- تقارن
۱۲۴	۲-۳-۴- ویژگی های کیفی تهی
۱۲۴	۲-۳-۴- الف- نور
۱۲۶	۲-۳-۴- ب- حیات
۱۲۷	۲-۳-۴- ج- وحدت
۱۲۸	پایان فصل

کلام آخر ۱۲۹

۱۳۳	ضمایم
۱۳۳	ضمیمه ۱: تصاویر
۱۴۸	ضمیمه ۲: اطوار تهی در معماری
۱۴۸	۱-۲- فضای تهی
۱۴۹	۱-۲- الف- فضاهای تهی بدون سقف
۱۵۰	۱-۲- ب- فضاهای تهی مسقف
۱۵۱	۲-۲- فضای منفی در کنار فرم انتزاعی
۱۵۳	ضمیمه ۳: فایده‌مندی‌های توجه به منظومه تهی در عرصه معماری
۱۵۳	۱-۳- فایده‌مندی توجه به منظومه تهی در اندیشه و عمل معمار
۱۵۳	۱-۳- الف- موضوع طراحی
۱۵۶	۱-۳- ب- بستر طراحی
۱۵۸	۱-۳- ج- طراحی
۱۵۹	۲-۳- فایده‌مندی توجه به منظومه تهی در آموزش معماری
۱۶۰	۳-۳- فایده‌مندی توجه به منظومه تهی در نقد معماری
۱۶۳	واژه‌نامه
۱۶۳	فارسی به انگلیسی:
۱۶۴	انگلیسی به فارسی:
۱۶۵	منابع

دیباچه

حس دین دوستی و گرایش به عوالم غیب و کشف اسرار ماوراء طبیعت جزو غرایز افراد بشر است؛ می توان این غریزه را ناشی از جاذبه حضرت ودود دانست که عالم امکان بالأخص انسان اشرف را به مقام اطلاق و نامتناهی خود می کشد و مغناطیس جان، همان جانِ جان است که از آن به جانان و حقیقت تا حقائق، اصل قدیم، منبع جمال، مبدأ الوجود و غایت الکمال تعبیر کنند. این جاذبه مغناطیسی حقیقت که نتیجه و اثرش پاره کردن قیود طبیعی و حدود انفسی و حرکت به سوی عالم تجرد و اطلاق و بالاخره فنای در فعل و اسم و صفت و ذات مقدس مبدأ المبادی و غایت الغایات و بقای هستی به بقای حضرت معبود است از هر عملی که به تصور آید عالی تر و راقی تر است.

انسان در کمون ذات و سرشت خود، حرکت به سوی این کعبه مقصود و قبله معبود را می یابد و به نیروی غریزی و فطری الهی بار سفر می بندد و با تمام شرایش وجود بدین صوب رهسپار می شود. لذا تمام اعضا و جوارح او باید در این سفر به کار افتد. عالم جسم و ماده او که طبع اوست و عالم ذهن و مثال او که برزخ اوست و عالم عقل و نفس او که حقیقت اوست، همه باید در این سفر وارد گردند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند. عده ای که به ظاهر پرداخته و از مغز و جوهره به پوست قانع گردند، از کعبه مقصود دور و از جمال و لقای او مهجورند و همچنین عده ای که به معنای فقط گرویده، از متن واقع کناره بوده و از حقیقت به مجاز و از واقع به تخیل و توهم قناعت کرده اند. مگر نه آن است که نور خدا در تمام مظاهر عالم امکان، ساری و جاری است؟ پس چرا این عالم جزئی را از تجلی انوار الهیه تعطیل نماییم؟

آنان که جمع بین ظاهر و باطن نموده و تمام درجات و مراتب وجودی خود را به انقیاد حضرت محبوب وادارند، امت وسطانند. ظاهر را عنوان باطن و باطن را جان و حقیقت ظاهر نموده و هر دو را به هم درآمیزند. از ظاهر، مرادشان وصول به باطن و باطن را بدون ظاهر، هباء منثوراً (گردوغبار پراکنده) شمارند. روشن است که در این راستا و برای تکمیل نفس و طی مدارج و معارج کمال انسانیت، اکتفا به علومی چون علوم الهیه ذهنیه تفکریه مانند تعلیم و تعلم فلسفه، کافی نیست؛ چون ترتیب قیاس و برهان بر اساس منطق صحیح و مقدمات صحیح نتیجه اقناعی برای ذهن می دهد، ولی قلب و روح را اشباع نمی کند و روان را از تشنگی و عطش وصول به حقایق و شهود

دقایق سیراب نمی‌سازد.

گرچه علم حکمت و فلسفه دارای اصالت و متانت است، و اشرف علوم ذهنیه و تفکریه است که توحید را بر پایهٔ برهان استوار نموده و راه هرگونه شک و شبهه را مسدود می‌کند، لیکن اکتفا نمودن به توحید فلسفی و برهانی در مکتب استدلال بدون انقیاد دل و وجدان ضمیر و شهود باطن، امری است نارسا. گرسنه گذاردن دل و باطن را از غذاهای روحانیه معنویه عالم غیب و انوار الهیه ملکوتیه جمالیه و جلالیه و قناعت کردن به سیر در کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌ها و مکتب‌ها و درس خواندن‌ها و درس دادن‌ها گرچه به اعلی درجه از اوج خود برسد، سیر کردن عضوی است از اعضا و گرسنه گذاردن عضوی بالاتر و والاتر.

دین قویم که بر صراط مستقیم است هر دو جنبه را رعایت می‌کند و قوا و استعدادهای نهفتهٔ انسان را از هر دو جهت تکمیل می‌نماید. از سویی ترغیب به تعقل و تفکر می‌کند و از سوی دیگر، امر به اخلاص و تطهیر دل از زنگار کدورت‌های شهوانی و آرامش دل و اطمینان و سکینهٔ خاطر و پس از یازده سوگند عظیم و جلیل: قد اَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا و قد خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا می‌سراید. این آیات قرآنی که با جان انسان گفت‌وگو دارد و با باطن انسان تکلم می‌کند، افرادی را از متفکرین و مدرسین و معلمین، دعوت به تعبد و مراقبه نموده، تا سیل خروشان اندیشه‌ها و الهامات و واردات رحمانیه از کانون وجودشان به حرکت درآید.

پس در هر عرصه‌ای، باور به تجلی انوار الهی در تمام عالم، تلاش در راستای جمع بین ظاهر و باطن و تفکر و تعقل در کنار زدودن زنگار نفس، در اولویت است. این کتاب بر باور به این اصل، بنیان نهاده شده و در عرصهٔ معماری، که عرصهٔ اصلی در این اثر است، در پی واکاوی موضوع «تهی»، که این پتانسیل را در درون خود داشته و می‌تواند آشنا به فهم معماران، به گوشه‌ای از تجلی حقیقت در این عالم بپردازد و بر افکار و دل‌ها اثر گذارد، برمی‌آید. بدیهی است که نویسنده همچون پروانه‌ای که خود را به آتش نزدیک کند، در حد توان به فهم و بسط این موضوع همت گمارده و آن را شرح می‌دهد و بیش از هر چیز، هم‌نشینی با موضوع «تهی» را موجب تنویر روح و تلطیف جان خود می‌داند.

برگرفته از مقدمهٔ رسالهٔ «لُبُّ اللَّبَاب» در سیر و سلوک اُولی‌الالباب